

بررسی تاثیر ویتامین D به عنوان درمان کمکی در بهبود علائم مثبت، منفی و شناختی در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی مزمن؛ یک کار آزمایی بالینی تصادفی دوسو کور

امیر شهریار دیباجی پور^۱، گیتا صدیقی^۲

^۱ دستیار سال چهار روانپزشکی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

^۲ استادیار روانپزشکی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

* نشانی نویسنده مسئول:

آدرس نویسنده مسئول: تهران، ولنجک، خیابان کودکیار، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

نشانی الکترونیک: dibaji@gmail.com

زمینه: نتایج پژوهش‌های انجام شده حاکی از شیوع بالای کمبود ویتامین D در افراد مبتلا به اسکیزوفرنی و نقش آن در سیر بیماری هستند، اما کمتر مطالعه‌ای به رابطه وضعیت ویتامین D و علائم خاص اسکیزوفرنی پرداخته است. در همین راستا مطالعه حاضر با هدف تعیین اثربخشی ویتامین D به عنوان داروی کمکی بر علائم مثبت، منفی و شناختی افراد با اسکیزوفرنی مزمن انجام شد.

روش کار: پژوهش حاضر یک کار آزمایی بالینی دوسو کور می باشد. تعداد ۳۰ بیمار که واجد معیارهای ورود به پژوهش بودند به طور تصادفی انتخاب شدند. از مقیاس PANSS (Positive And Negative Syndrome Scale) برای مشخص کردن وضعیت علائم مثبت، علائم منفی و آسیب شناسی روانی عمومی و از MMSE برای مشخص کردن وضعیت شناختی هنگام ورود به مطالعه و پایان هفته هشتم استفاده شد.

یافته‌ها: دو گروه از نظر میانگین علائم مثبت و منفی قبل و بعد از مطالعه اختلاف معناداری نداشتند. نمره علائم عمومی بر اساس PANSS، اختلاف معناداری قبل و بعد از درمان با ویتامین D نشان نداد ($p=0/8$). همچنین دو گروه مداخله و شاهد از نظر میانگین علائم عمومی قبل و بعد از مطالعه اختلاف معناداری نداشتند. همچنین دو گروه مداخله و شاهد قبل و بعد از مطالعه اختلاف معناداری از نظر میانگین نمرات شناختی بر اساس MMSE نداشتند.

نتیجه گیری: براساس مطالعه حاضر، افزودن ویتامین D به درمان استاندارد اسکیزوفرنی تاثیر معناداری در بهبود علائم مثبت و منفی و شناختی و علائم عمومی نداشت.

واژگان کلیدی: ویتامین D، علائم مثبت، علائم منفی، علائم شناختی، اسکیزوفرنی

مقدمه

اسکیزوفرنی یکی از شدیدترین و پرهزینه‌ترین بیماری‌های روانپزشکی با سیر عموماً مزمن و ناتوان کننده است که سبب افت تحصیلی، ناتوانی شغلی، تخریب شخصیت و اختلال در روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی مبتلایان میگردد. این بیماری تقریباً ۱ درصد جمعیت را مبتلا ساخته و نرخ شیوع و بروز آن تقریباً در همه‌ی نقاط جهان یکسان است (۱). بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی حدود ۵۰ درصد از کل تخت‌های بیمارستان‌های روانی را اشغال می‌کنند و ۱۶ درصد از کل بیماران روانپزشکی را که به شکلی تحت درمان قرار دارند، تشکیل می‌دهند (۲). بنابراین نه تنها مخارج درمانی گزافی دارد بلکه زبانی که به علت عدم مشارکت اجتماعی و شغلی آنها متوجه جامعه می‌گردد چشمگیر می‌باشد. بنابراین هر اقدامی در جهت کنترل بیشتر و سریعتر بیماری و کاهش یا پیشگیری از عود و یا کاهش دفعات بستری، علاوه بر بهبود پیش آگهی، از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز مقرون به صرفه خواهد بود (۳). علائم این اختلال در سه طبقه علائم مثبت، منفی و شناختی دسته‌بندی می‌شوند (۴). علائم منفی عبارتند از فقدان کارکردهای جسمانی و روانی عادی افراد مبتلا به اسکیزوفرنی، که در افراد سالم وجود دارد اما افراد اسکیزوفرنیک فاقد آن می‌باشند مانند: سطحی شدن یا کندی عواطف، فقر کلام یا محتوای کلام، انسداد فکر، آرایش و ظاهر نامناسب، فقدان انگیزش، فقدان احساس لذت، کناره گیری اجتماعی، نقایص شناختی و کمبود توجه (۵). علائم مثبت نیز عبارتند از علائمی که در افراد سالم مشاهده نمی‌شود اما در افراد اسکیزوفرنی وجود دارد: از قبیل از هم گسیختگی تداعی، توهمات، هذیان، رفتار عجیب و غریب و افزایش گفتار. بیماران دارای نشانه‌های مثبت معمولاً نسبت به بیماران دچار نشانه‌های منفی پیش آگهی بهتری دارند (۶). علائم شناختی شامل اشکال در فهم و کاربرد اطلاعات جهت تصمیم گیری مانند اشکال در حافظه فعال، نقایص شناختی و کمبود توجه می‌باشد (۷). در سال‌های اخیر مطالعات نقش ویتامین D و کمبود آن در اکثر افراد مبتلا به این اختلال و ارتباط با علائم مثبت، منفی و شناختی این اختلال را نشان داده‌اند (۸، ۹). به نظر می‌رسد ویتامین D علاوه بر هموستاز کلسیم و سلامت استخوان، برای رشد و کارکرد مغز نیز ضروری باشد (۱۰-۱۲). گیرنده‌های هسته‌ای خاص برای D (OH) ۲۵ و نیز آنزیم‌های ضروری برای هیدروکسیلاسیون ویتامین D به D (OH) ۲۵-۱ در سیستم عصبی مرکزی یافت شده‌اند (۱۳، ۱۴). در مطالعات بالینی، سطح سرمی پائین D (OH) ۲۵ که شکل ذخیره‌ای ویتامین دی در بدن است، همراه با علائم روانپزشکی مانند اضطراب، افسردگی و کاهش عملکرد شناختی گزارش شده است (۱۵-۱۸). مروری بر مطالعات انجام گرفته نشانگر این است که با وجود آنکه مطالعات تجربی نقش مؤثر ویتامین D را در کاهش برخی اختلالات و رفتارهای ناشی از برخی از این بیماری‌ها را بیان

کرده‌اند (۱۹) و نتایج پژوهش‌های انجام شده حاکی از شیوع بالای نقص ویتامین D در افراد مبتلا به اسکیزوفرنی و نقش آن در سیر بیماری است، اما کمتر مطالعه‌ای به رابطه وضعیت ویتامین D و علائم خاص اسکیزوفرنی پرداخته است (۷). بر همین اساس می‌توان گفت که ویتامین D در درمان برخی علائم این بیماری‌ها می‌تواند مؤثر باشد و با کنترل بهتر سطوح ویتامین D و تجویز مکمل آن احتمال کاهش این بیماری‌ها وجود خواهد داشت. در همین راستا مطالعه حاضر با هدف تعیین اثربخشی ویتامین D به عنوان داروی کمکی بر علائم مثبت، منفی و شناختی افراد با اسکیزوفرنی مزمن انجام شد.

روش کار

پژوهش حاضر یک کارآزمایی بالینی دوسو کور می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه بیماران زن ۱۸ تا ۷۰ سال مبتلا به اسکیزوفرنی بستری در بخش‌های توانبخشی بیمارستان روانپزشکی رازی بود. تعداد ۳۰ بیمار که واجد معیارهای ورود به پژوهش بودند به شیوه نمونه گیری در دسترس و در مرحله گمارش آزمودنی‌ها به گروه‌های پژوهش (تخصیص آزمودنی‌ها به گروه‌های آزمایش و کنترل) به طور تصادفی ساده انتخاب شده و پس از دادن آگاهی در مورد پژوهش و کسب رضایت آگاهانه از بیمار یا قیم آنها به طور کاملاً تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. گروه آزمایش در کنار درمان استاندارد ویتامین D نیز با دوز ۵۰۰۰ واحد خوراکی به صورت هفتگی برای بیماران با سطح سرمی ویتامین D کمتر از ۳۰ برای هشت هفته به رژیم درمانی آنها اضافه شد و گروه کنترل تنها رژیم درمانی استاندارد را دریافت کردند. هفته چهارم و هفته هشتم مجدداً سطح سرمی ویتامین D اندازه‌گیری شد و گروه کنترل تنها رژیم درمانی استاندارد را دریافت کرد. از مقیاس PANSS (Positive And Negative Syndrome Scale) برای مشخص کردن وضعیت علائم مثبت، علائم منفی و آسیب شناسی روانی عمومی و از MMSE برای مشخص کردن وضعیت شناختی هنگام ورود به مطالعه و همچنین پایان هفته هشتم استفاده شد. گروه کنترل نیز پس از اتمام مطالعه با هماهنگی پزشک معالج تحت درمان با مکمل ویتامین D قرار خواهند گرفت.

معیارهای ورود به پژوهش شامل معیار تشخیصی DSM5 برای اسکیزوفرنی، نداشتن تشخیص دیگری بر اساس DSM5 از جمله ناتوانی ذهنی و افسردگی، دامنه سنی ۱۸ تا ۷۰ سال، گذشتن حداقل دو سال از شروع بیماری، پایدار بودن علائم و قرار نداشتن در مرحله فعال و دارای کمبود ویتامین D (سطح سرمی ویتامین D کمتر از ۳۰ ng/ml). عدم ابتلا به هر گونه بیماری ناتوان کننده جسمی اعم از نورولوژیک یا ارگانیک برجسته از جمله کلیوی و کبدی شدید بر اساس معاینات بالینی و بررسی آزمایشگاهی و عدم سوءمصرف مواد یا دارو در ۶ ماه اخیر بود.

یک ابزار اثبات شده برای ارزیابی پارکینسونیسم دارویی می‌باشد. در پژوهشی که در سال ۲۰۰۵ بر روی ۹۹ بیمار مبتلا به اسکیزوفرنی مزمن در مراکز نگهداری، ضریب الفای کرونیخ برای افتراق بیماران پارکینسونی از سایر بیماران ۰/۷۵ بود. در این تحقیق حداقل نمره برای افتراق پارکینسونیسم دارویی از غیر دارویی (cut off value) ۰/۶۵ پیشنهاد شد (۳۱). این آزمون شامل ده آیتم بوده که هر کدام از ۰ تا ۴ نمره می‌گیرد (۳۲).

مقیاس علائم مثبت و منفی اسکیزوفرنی (PANSS) در سال ۱۹۸۶ جهت اندازه‌گیری شدت نشانه‌های مثبت و منفی بیماران اسکیزوفرن ساخته شد. این پرسشنامه یک مقیاس پزشکی است که به‌طور گسترده در بررسی درمان‌های ضد روانپریشی استفاده شده است. نام این مقیاس به دو دسته نشانه مثبت و منفی اسکیزوفرنی اشاره دارد. این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال است و آزمودنی طی یک مقیاس پنج گزینه‌ای به صورت اصلاً، گاهی، متوسط، زیاد و خیلی زیاد به آن پاسخ می‌دهد. همچنین این پرسشنامه مشتمل بر ۵ خرده مقیاس علائم منفی (۸ سوال)، از هم گسیختگی (۷ سوال)، مثبت (۶ سوال)، تهییج (۴ سوال) و اضطراب و افسردگی (۵ سوال) است. پژوهش‌های بسیاری که درباره این مقیاس انجام گرفته است، نشان‌دهنده اهمیت آن است. در پژوهشی که توسط سازندگان پرسشنامه انجام گرفته است الفای کرونیخ پرسشنامه ۰/۸۳ گزارش شده است و همبستگی این مقیاس با مقیاس نشانه‌های مثبت و منفی آندریاسن ۰/۵۸ به‌دست آمده است. در پژوهش قمری و همکاران (۲۸) الفای کرونیخ برای این مقیاس ۰/۷۷ به دست آمد (۲۲).

اطلاعات جمع‌آوری شده توسط نرم افزار SPSS ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و از روش‌های آزمون مقایسه T، آزمون‌های اندازه‌های تکراری (Repeated Measures) و همچنین آزمون بررسی همبستگی پیرسون و اسپیرمن برای بررسی اثرات درمانی استفاده شد.

یافته‌ها

در این مطالعه ۳۰ بیمار زن مبتلا به اختلال اسکیزوفرنی وارد مطالعه شدند. تمام بیماران از مدتها قبل تحت درمان با ۵۰۰۰ واحد ویتامین D ماهانه قرار داشتند. میانگین سطح خونی ویتامین D شرکت‌کنندگان ۱۵/۲ با انحراف معیار ۸/۳ بود و اختلاف معناداری داشتند.

۳۰ بیمار زن مبتلا به اختلال اسکیزوفرنی در دو گروه ۱۵ نفره تحت عنوان مداخله و شاهد مورد مطالعه قرار گرفتند. میانگین و انحراف معیار سن در گروه مداخله ۵۵/۸±۷/۹ سال و در گروه شاهد ۴۹/۲±۸/۸ سال بود. ۷۳/۴ درصد افراد گروه مداخله و ۵۳/۴ درصد گروه شاهد بالای پنجاه سال داشتند. میانگین سطح خونی ویتامین D در گروه شاهد ۱۴/۹ با انحراف معیار ۵/۲ بود که بعد از هشت هفته ۱ ng/ml افزایش داشت. میانگین سطح خونی ویتامین D در گروه مداخله قبل از شروع مطالعه ۱۵/۶ ng/ml بود که بعد از درمان با مکمل ویتامین D

معیارهای خروج از مطالعه نیز شامل دریافت ECT در دو هفته گذشته، نیاز به قطع و یا تغییر داروی آنتی سایکوتیک بیمار به هر علت در طی مطالعه و بروز هرگونه عوارض جانبی ناخواسته که اختلال بالینی ایجاد کند، در نظر گرفته شد.

جهت جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس PANSS (Positive And Neg-ative Syndrome Scale) برای مشخص کردن وضعیت علائم مثبت، علائم منفی و آسیب‌شناسی روانی عمومی هنگام ورود به مطالعه و پایان هفته هشتم استفاده شد. همچنین از مقیاس MMSE (Mini Mental Scale Examination) برای مشخص کردن وضعیت علائم شناختی هنگام ورود به مطالعه و پایان هفته هشتم استفاده شد. همچنین برای افتراق علائم منفی از افسردگی از تست Hamilton و برای افتراق علائم منفی از علائم اکستراپیرمیدال از تست Simpson -Angus Scale هنگام ورود به مطالعه استفاده شد.

مقیاس MMSE (آزمون مختصر وضعیت روانی): این ابزار در سال ۱۹۷۵ توسط فولشتاین و همکارانش طراحی شد. این ابزار در طب عمومی و سالمندان جهت ارزیابی اولیه و همچنین تغییرات وضعیت شناختی در سیر درمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. حداکثر نمره در این آزمون ۳۰ است و نمره زیر ۲۵ نشان‌دهنده تخریب شناختی احتمالی و نمره زیر ۲۰ نشان‌دهنده تخریب قطعی است. این آزمون بر روی جمعیت سالمندان شهر تهران هنجاریابی شده است. روایی تمایز بر اساس آزمون t مستقل انجام گرفت و با اطمینان ۹۵ درصد بین عملکرد حافظه در افراد مبتلا به نقص شناختی و افراد سالم تفاوت معنی‌داری وجود داشت (۲۰). برای کنترل اثر متغیرهای مخدوش‌کننده آنالیز Triway ANOVA انجام شد که همچنان آزمون قادر به تمایز افراد دچار اختلال شناختی و سالم بود. پایایی این مقیاس با ضریب الفای کرونیخ ۰/۸۱ تایید شد.

مقیاس درجه‌بندی افسردگی همیلتون (HDRS): این ابزار توسط همیلتون در سال ۱۹۶۰ ساخته شد و در سال‌های بعد تکمیل شد و ارتقاء یافت. مقیاس درجه‌بندی افسردگی همیلتون HDRS جزو مقیاس‌های ارزیابی بالینی برای سنجش افسردگی می‌باشد و شامل ۲۱ گویه است که نشانه‌های رفتاری، جسمانی و ذهنی افسردگی را می‌سنجد. البته معمولاً ۱۷ آیتم از این مقیاس مورد استفاده قرار می‌گیرد و چهار آیتم دیگر اطلاعات بالینی اضافی را فراهم می‌کند. در مطالعه‌ای که توسط کاویانی و همکارانش بر روی ۲۶۱ بیمار افسرده مراجعه‌کننده به بخش سرپایی بیمارستان روزبه و همچنین ۲۶۱ نفر از جمعیت عمومی سالم که از نظر جنسیت همسان‌سازی شده بودند. محاسبه الفای کرونیخ برای آیتم‌های هفت‌گانه زیر مقیاس افسردگی ۰/۸۵ به دست آمد و نتایج نشان داد که HADS دارای اعتبار لازم برای کاربرد جمعیت بالینی ایرانی است که ضریب پایایی درونی ۰/۸۳ آمده است (۲۱).

مقیاس SAS: SIMPSON-ANGUS SCALE: این مقیاس

به ۱۸/۴ با انحراف معيار ۷/۶ رسیده است. p value در مقايسه بين دو گروه قبل از درمان و بعد از درمان به ترتيب ۰/۵۴ و ۰/۴۱ بود و دو گروه قبل و بعد از مطالعه اختلاف معناداری از نظر میانگین نمره MMSE نداشتند. همچنین میانگین، تاثیر معناداری در تغيير میانگین نمره علايم مثبت نداشت (p=۰/۴) و در گروه کنترل میانگین علايم مثبت در دو گروه قبل و بعد از درمان اختلاف معناداری نداشت. نمره علايم منفي بر اساس PANSS در افرادی گروه مداخله در شروع مطالعه ۲۴/۱ با انحراف معيار ۱۰/۶ بود که پس از هشت هفته درمان با ويتامين د به ۲۳/۸ با انحراف معيار ۹/۲ رسيد و اختلاف معناداری بين میانگین نمره علايم منفي در گروه مداخله قبل و بعد از درمان وجود نداشت (p=۰/۶). دو گروه از نظر میانگین علايم منفي قبل و بعد از مطالعه اختلاف معناداری نداشتند. نمره علايم عمومی بر اساس PANSS، اختلاف معناداری قبل و بعد از درمان با ويتامين D نشان نداد (p=۰/۸). همچنین دو گروه مداخله و شاهد از نظر میانگین علايم عمومی قبل و بعد از مطالعه اختلاف معناداری نداشتند. همچنین دو گروه مداخله و شاهد قبل و بعد از مطالعه اختلاف معناداری از نظر میانگین نمره کلی بر اساس PANSS نداشتند.

بحث

این مطالعه با هدف تعيين تاثیر ويتامين D به عنوان درمان کمکی در

۱۸ ng/ml افزایش داشت. p value قبل از شروع مطالعه ۰/۰۴ بود و دو گروه از نظر سطح خونی ويتامين D اختلاف معناداری نداشتند و پس از پايان مطالعه ۲/۱ بود و دو گروه اختلاف معناداری از نظر سطح خونی ويتامين D داشتند. شایان ذکر است که پس از پايان مطالعه افراد گروه شاهد تحت درمان با مکمل ويتامين D قرار گرفتند.

میانگین مدت بستری در گروه مداخله ۱۲/۸ با انحراف معيار ۵/۵ و در گروه شاهد ۹/۷ و با انحراف معيار ۵/۵ بود و دو گروه از نظر میانگین مدت زمان سپری شده در بیمارستان اختلاف معناداری نداشتند. با توجه به انتخاب جمعیت مورد مطالعه از بیماران مزمن بستری در بیمارستان روانپزشکی رازی میانگین بالای سنی و مدت طولانی بستری قابل پيش بينی بود. با توجه به گذراندن اغلب ساعات روز در بخش رابطه بين مواجه کم با نور افتاب و سطح پايين ويتامين د ميتواند مورد توجه باشد.

با توجه به جدول ۱، میانگین نمره MMSE در افرادی گروه شاهد در شروع مطالعه ۱۹/۶ با انحراف معيار ۴/۲ بوده که پس از هشت هفته درمان با ويتامين D به ۲۰/۵ با انحراف معيار ۶/۵ رسیده و درمان با مکمل ويتامين D تاثیر معناداری در تغيير نمره MMSE نداشت (p=۰/۲) و در گروه کنترل که دریافت ويتامين D نداشته اند ۱۵/۴ با انحراف معيار ۷/۶ در شروع مطالعه بوده که پس از هشت هفته

جدول ۱. میانگین نمره ها، قبل و پس از مطالعه

P value	شاهد Mean ± SD	مداخله Mean ± SD	گروه		ابزار مورد سنجش
			زمان		
۰/۵۴	۱۸/۱ (۷)	۱۹/۶ (۴/۲)	قبل از درمان		MMSE
۰/۴۱	۱۸/۴ (۷/۶)	۲۰/۵ (۶/۵)	بعد از درمان		
	۰/۸	۰/۲	P value		
۰/۴۵	۱۹/۸ (۶/۹)	۲۲/۲ (۸/۷)	قبل از درمان		PANSS (علايم مثبت)
۰/۴۷	۱۹ (۶/۱)	۲۱/۴ (۷/۷)	بعد از درمان		
	۰/۷	۰/۴	P value		
۰/۷	۲۷/۱ (۸)	۲۴/۱ (۱۰/۶)	قبل از درمان		PANSS (علايم منفي)
۰/۴	۲۷ (۸/۷)	۲۳/۸ (۹/۲)	بعد از درمان		
	۰/۵	۰/۶	P value		
۰/۵	۴۴/۶ (۱۰/۵)	۴۳/۸ (۸/۴)	قبل از درمان		PANSS (علايم عمومی)
۰/۵	۴۵/۶ (۹/۵)	۴۶/۵ (۱۲/۳)	بعد از درمان		
	۰/۶	۰/۸	P value		
	۹۱/۵ (۸/۴)	۹۰/۱ (۹/۲)	قبل از درمان		PANSS (نمره کلی)
	۹۱/۸ (۸)	۹۱/۷ (۹/۷)	بعد از درمان		
	۰/۵	۰/۳	P value		

گروه کنترل). دوز ویتامین D تجویزی و مدت مطالعه تقریباً برابر بود (۵۰۰۰۰ واحد به مدت هشت هفته در برابر ۵۶۰۰۰ واحد به مدت هشت هفته) هر چند میانگین افزایش سطح خونی ویتامین D پس از هشت هفته در مطالعه ما کمتر بود (۱۸ در برابر ۳۱/۴). در پژوهش حاضر مردان به دلیل سطح خونی طبیعی ویتامین D وارد مطالعه نشدند. در مطالعه‌ی کریوی و همکاران (۲۸) اکثر افراد مورد مطالعه مرد بودند و جامعه آماری از میان زنان بستری در بخش‌های توانبخشی انتخاب شدند. در پژوهش حاضر ویتامین D تاثیری در بهبود علائم مثبت و منفی و علائم عمومی بر اساس PANSS و نمرات شناختی بر اساس آزمون MMSE نداشت که همخوان با نتایج مطالعه کریوی و همکاران بود. اگرچه در مطالعه کریوی و همکاران تمایل برای بهبود علائم شناختی دیده شد. از طرفی در پژوهش حاضر بیماران رژیم درمانی یکسان نداشتند در حالیکه در مطالعه کریوی و همکاران تمامی بیماران تحت درمان با کلوزاپین بودند. در پژوهش دیگری، تغییر معناداری در میانگین نمرات علائم مثبت و منفی PANSS پس از پایان مطالعه مشاهده نشد. میانگین سنی افراد در مطالعه مذکور ۴۶/۲۳ سال برای گروه مداخله و ۴۸/۱۷ سال برای گروه کنترل بود که نسبت به پژوهش حاضر میانگین سن افراد تحت مطالعه پایین‌تر بود و بر خلاف مطالعه ما که همه افراد زن بودند در این مطالعه همگی افراد مرد بودند. مجموع ویتامین D تجویزی در مطالعه مذکور ۱۸۰۰۰۰ واحد به مدت سه ماه بود که ۴/۵ برابر دوز تجویزی ویتامین D در پژوهش حاضر بود هرچند در میانگین افزایش سطح سرمی ویتامین D بین مطالعه ما و پژوهش مذکور اختلافات چشمگیری وجود نداشت (۱۸ در برابر ۲۲/۱). ضمن اینکه مجموع زمان مطالعه در بررسی‌های آنان ۱۶ هفته بود که دو برابر زمان پژوهش حاضر می‌باشد (۲۹). تاثیر ویتامین D به تفکیک نوع داروی آنتی سایکوتیک دریافتی نیز بررسی شد که در همگی نتایجی یکسان گزارش گردید. شواهد نشان می‌دهند که ویتامین D در تکامل مغز اهمیت داشته و رستورهای ویتامین D و ۱-آلفا هیدروکسیلاز بطور گسترده در مغز بالغین بیان می‌شوند (۲۹). مطالعات همه گیرشناسی نیز ارتباط بین عرض جغرافیایی، پوست تیره و شهرنشینی را که به نوعی با کمبود ویتامین D نیز مرتبط می‌باشند با افزایش خطر ابتلا به اسکیزوفرنی نشان داده‌اند (۳۰). همچنین مطالعات زیادی ارتباط بین کمبود ویتامین D بویژه در یکسال اول زندگی و افزایش شانس ابتلا به اسکیزوفرنی در آینده را نشان داده‌اند (۳۲ و ۳۱).

نتیجه گیری

براساس نتایج این مطالعه، افزودن ویتامین D به درمان استاندارد اسکیزوفرنی تاثیر معناداری در بهبود علائم مثبت، منفی و شناختی و علائم عمومی بیماران نداشت.

بهبود علائم مثبت، منفی و شناختی در بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی مزمن انجام گرفت. تمام بیماران مورد مطالعه از مدت‌ها قبل توسط پزشکان معالج خود تحت درمان با ۵۰۰۰۰ واحد ویتامین D ماهانه بودند که در گروه مداخله دوز ویتامین D به ۵۰۰۰۰ واحد هفتگی افزایش یافت. مطالعات زیادی در مورد ارتباط بین بیماری اسکیزوفرنی و کمبود ویتامین D انجام شده و اغلب آنها رابطه‌ای معنی‌دار بین بیماری اسکیزوفرنی و کمبود ویتامین D بویژه در سال‌های ابتدایی زندگی را گزارش کرده‌اند. آیلز و همکاران در سال ۲۰۰۴ رابطه‌ای بین استفاده از مکمل ویتامین D در یک سال اول زندگی با کاهش ریسک ابتلا به اسکیزوفرنی در فنلاند را گزارش کردند (۲۳)، که همخوان با یافته‌های اپیدمیولوژیک از جمله شیوع بیشتر اسکیزوفرنی در فصل زمستان و یا شیوع بیشتر در تیره پوست‌های می‌باشد. نتایج پژوهش دیگری نشان داد که کمبود ویتامین D رابطه چشمگیری با تمام آزمون‌های شناختی به جز یادگیری کلامی دارد و اضافه کردن ویتامین D تاثیری در افزایش نمره MMSE و بهبود شناخت نداشت (۲۴). در پژوهش جمیلیان و همکاران تفاوت معنی‌داری از نظر سطح سرمی ویتامین D در بیماران اسکیزوفرنی و افراد سالم مشاهده شد (۲۵). در پژوهشی دیگر نتایج نشان داد که سطح پایین ویتامین D در افراد مبتلا به اسکیزوفرنی با شدت علائم منفی و مثبت و نقص‌های کلی شناختی مرتبط است (۲۶). نتایج پژوهش دوگان و همکاران نشان داد که ارتباط بین سطوح پایین‌تر ویتامین D و بروز علائم مثبت و منفی، همراه با افزایش شدت علائم در سطوح پایین‌تر ویتامین D می‌باشد. آنها بیان کردند که درمان اسکیزوفرنی باید شامل ارزیابی سطح ویتامین D بیماران باشد و بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی باید با توجه به سطح ویتامین D آنها ارزیابی شوند (۸). در پژوهش دیگری نقص و کمبود ویتامین D با اسکیزوفرنی رابطه داشت و کمبود ویتامین D با هوش کمتر، نقایص و آسیب‌پذیری شناختی همراه بود (۲۷). سطح پایین ویتامین D در افراد مبتلا به اسکیزوفرنی با شدت علائم منفی و مثبت و نقص‌های کلی شناختی مرتبط است (۲۶). در پژوهش حاضر کمبود ویتامین D در شروع مطالعه در بیماران مورد تحقیق مطابق با نتایج مطالعات انجام گرفته در مورد رابطه ویتامین D و بیماری اسکیزوفرنی می‌باشد. در مطالعه کریوی و همکاران (۲۸)، هیچ تفاوتی بین نمرات کلی PANSS و نمرات زیر گروه‌ها دیده نشد. تفاوتی جزئی در افزایش نمره کلی MOCA در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل دیده شد که چشمگیر نبود و تنها در دو حوزه توجه و حافظه بود. همچنین تفاوت معنی‌داری در علائم سایکوتیک و علائم منفی و دپرسیو، متابولیک و شناختی در پایان مطالعه در دو گروه دیده نشد، اگرچه تمایل کوچکی برای بهبود علائم شناختی گزارش گردید. در این مطالعه میانگین سنی افراد تحت مطالعه بالاتر بود (۵۵/۸ در برابر ۳۹/۴ در گروه مداخله و ۵۰/۲ در برابر ۴۵/۲ در

محدودیت‌ها و پیشنهادات

حجم نمونه پژوهش حاضر نسبتاً کم بود و مطالعات کارآزمایی بیشتری با حجم نمونه وسیعتر برای اثبات نتایج نیاز است. افراد مورد مطالعه، رژیم دارویی یکسان نداشتند، اگرچه از نظر رژیم غذایی و محل زندگی و سایر عوامل محیطی از جمله میزان مواجهه با نور آفتاب و رنگ پوست همگی شرایط یکسانی داشتند. بیماران مورد مطالعه محدود به بیماران بستری و مزمن با سابقه بستری طولانی بودند و بیماران سرپایی مورد مطالعه قرار نگرفتند. پیشنهاد می‌شود با

توجه به شیوع بالای کمبود ویتامین D در این مطالعه و مطالعات زیاد دیگر، بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی از نظر ابتلا به کمبود ویتامین D غربالگری شوند. مدت این مطالعه هشت هفته و مجموع دوز تجویزی ویتامین D ۴۰۰۰۰۰ واحد بود. برای اثبات نتایج این مطالعه، تحقیقی طولانی‌تر و با دوز بالاتر ویتامین D می‌تواند مفید باشد. این مطالعه تنها بر روی افراد دچار کمبود ویتامین D انجام شد و کارآزمایی‌های بالینی بیشتری برای تایید یافته‌های این مطالعه مورد نیاز می‌باشد.

منابع

- Mohammadi J, Narimani M, Bagyan MJ, Dereke M. Effects of cognitive-behavioral therapy on positive symptoms of schizophrenia. *The Journal of Urmia University of Medical Sciences*. 2014;25(3):182-90.
- Sadock BJ, Sadock VA, Levin ZE, editors. Kaplan and Sadock's study guide and self-examination review in psychiatry. Lippincott Williams & Wilkins; 2007.
- Poormahmood H, Khodaie Ardakani Mr, Fadaie F, Behjati H, Maddahifard R, Ashtari Z. Evaluating The Efficacy Of Riluzole Add-On Therapy On Treatment Symptoms Of Patients With Continuous Schizophrenia. *The Journal Of Urmia University Of Medical Sciences*. 2014;25(10):862-73.
- Mohammadi J, Narimani M, Bagyan MJ, Dereke M. Effects of cognitive-behavioral therapy on positive symptoms of schizophrenia. *The Journal of Urmia University of Medical Sciences*. 2014;25(3):182-90.
- Wagner E, Wobrock T, Kunze B, Langguth B, Landgrebe M, Eichhammer P, et al. Efficacy of high-frequency repetitive transcranial magnetic stimulation in schizophrenia patients with treatment-resistant negative symptoms treated with clozapine. *Schizophr Res*. 2019;208:370-376.
- Schäfer I, Aderhold V, Freyberger HJ, Spitzer C, Schroeder K. Dissociative Symptoms in Schizophrenia Spectrum Disorders. *Psychosis, Trauma and Dissociation: Evolving Perspectives on Severe Psychopathology*. 2019:179.
- Cieslak K, Feingold J, Antonius D, Walsh-Messinger J, Dracxler R, Rosedale M, et al. Low vitamin D levels predict clinical features of schizophrenia. *Schizophr Res*. 2014;159(2-3):543-5.
- Doğan Bulut S, Bulut S, Gökem Atalan D, Berkol T, Gürçay E, Türker T, et al. The Relationship between Symptom Severity and Low Vitamin D Levels in Patients with Schizophrenia. *PLoS One*. 2016;11(10):e0165284.
- Gracious BL, Finucane TL, Friedman-Campbell M, Messing S, Parkhurst MN. Vitamin D deficiency and psychotic features in mentally ill adolescents: a cross-sectional study. *BMC Psychiatry*. 2012;12:38.
- Garcion E, Wion-Barbot N, Montero-Menei CN, Berger F, Wion D. New clues about vitamin D functions in the nervous system. *Trends Endocrinol Metab*. 2002;13(3):100-5.
- McCann JC, Ames BN. Is there convincing biological or behavioral evidence linking vitamin D deficiency to brain dysfunction? *FASEB J*. 2008;22(4):982-1001.
- Stumpf WE, Sar M, Clark SA, DeLuca HF. Brain target sites for 1,25-dihydroxyvitamin D3. *Science*. 1982;215(4538):1403-5.
- Zehnder D, Bland R, Williams MC, McNinch RW, Howie AJ, Stewart PM, et al. Extrarenal expression of 25-hydroxyvitamin D3-1 α -hydroxylase. *The Journal of Clinical Endocrinology & Metabolism*. 2001;86(2):888-94.
- Eyles DW, Smith S, Kinobe R, Hewison M, McGrath JJ. Distribution of the vitamin D receptor and 1 alpha-hydroxylase in human brain. *J Chem Neuroanat*. 2005;29(1):21-30.
- Przybelski RJ, Binkley NC. Is vitamin D important for preserving cognition? A positive correlation of serum 25-hydroxyvitamin D concentration with cognitive function. *Arch Biochem Biophys*. 2007;460(2):202-5.
- Wilkins CH, Sheline YI, Roe CM, Birge SJ, Morris JC. Vitamin D deficiency is associated with low mood and worse cognitive performance in older adults. *Am J Geriatr Psychiatry*. 2006;14(12):1032-40.
- Armstrong DJ, Meenagh GK, Bickle I, Lee AS, Curran ES, Finch MB. Vitamin D deficiency is associated with anxiety and depression in fibromyalgia. *Clin Rheumatol*. 2007;26(4):551-4.
- Jamilian H, Bagherzadeh K, Nazeri Z, Hassanijird-ehi M. Vitamin D, parathyroid hormone, serum calcium and phosphorus in patients with schizophrenia and major depression. *International journal of psychiatry in clinical practice*. 2013;17(1):30-4.
- Akbar Asadi M. Vitamin D and Mental Disorders: A Review of Existing Evidence. *Scientific Conference of Nutrition Students 1395*.
- Rajabi M, Jahanshahi S, Movahhed BK, Qashqaei AM,

- Bahrani A. Quality of life in and its correlates in elderly in Tehran, Iran. *Payesh (Health Monitor)*. 2017;16(4):531-41.
21. Kaviani H, Seyfourian H, Sharifi V, Ebrahimkhani N. Reliability and validity of anxiety and depression hospital scales (HADS): Iranian patients with anxiety and depression disorders. *Tehran University Medical Journal*. 2009;67(5):379-85.
22. Ghamari Givi H, Molavi P, Heshmati R. Investigating the Structure of the Positive and Negative Symptom Scale in Schizophrenic Spectrum Disorders. 1-10.
23. Eyles D, Brown J, Mackay-Sim A, McGrath J, Feron F. Vitamin D3 and brain development. *Neuroscience*. 2003;118(3):641-53.
24. Mourão GH, Ishii IH, Campos ZH. Alguns fatores limnológicos relacionados com a ictiofauna de baías e salinas do Pantanal da Nhecolândia, Mato Grosso do Sul, Brasil. *Acta Limnol. Brasil*. 1988; (11).
25. Jamilian H, Bagherzadeh K, Nazeri Z, Hassanijirdehi M. Vitamin D, parathyroid hormone, serum calcium and phosphorus in patients with schizophrenia and major depression. *International journal of psychiatry in clinical practice*. 2013;17(1):30-4.
26. Graham KA, Keefe RS, Lieberman JA, Calikoglu AS, Lansing KM, Perkins DO. Relationship of low vitamin D status with positive, negative and cognitive symptom domains in people with first-episode schizophrenia. *Early Interv Psychiatry*. 2015;9(5):397-405.
27. Duff KE, et al. Vitamin D insufficiency and schizophrenia risk: evaluation of hyperprolinemia as a mediator of association. *Schizophr Res*. 2014;156(1):15-22.
28. Krivoy A, Onn R, Vilner Y, Hochman E, Weizman S, Paz A, et al. Vitamin D Supplementation in Chronic Schizophrenia Patients Treated with Clozapine: A Randomized, Double-Blind, Placebo-controlled Clinical Trial. *EBioMedicine*. 2017;26:138-145.
29. Enderami A, Monesi FS, Zarghami M. One-Year Follow-Up of Patients with a Diagnosis of First Episode Psychosis. *Mater Sociomed*. 2017;29(1):21-25.
30. Lee J. A new look at working memory deficits in schizophrenia (Doctoral dissertation).
31. Khan A, Khan SR, Leventhal RM, Brown WA. Symptom reduction and suicide risk among patients treated with placebo in antipsychotic clinical trials: an analysis of the food and drug administration database. *Am J Psychiatry*. 2001;158(9):1449-54.
32. Sim K, Chua TH, Chan YH, Mahendran R, Chong SA. Psychiatric comorbidity in first episode schizophrenia: a 2 year, longitudinal outcome study. *J Psychiatr Res*. 2006;40(7):656-63.